

## پویایی شعر انتظار (با تکیه بر شعر علی معلم، یوسف علی میرشکاک و علی رضا قزوه)<sup>۱</sup>

### جمیله زارعی<sup>۱</sup>

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران

#### چکیده

شعر انتظار شاخه‌ای از شعر ولایی است و مضامینی چون انتظار فرج، اظهار ارادت و علاقه به حضرت مهدی (عج)، ویژگی‌های منتظر واقعی و بیان کاستی‌ها و نا به سامانی‌های عصر حاضر را در بر می‌گیرد. با توجه به این که مصداق شعر انتظار بزرگ مردی است که ریشه در چهارده قرن دارد و بنا بر اعتقاد شیعیان دوازده امامی مبنی بر زنده بودن ایشان؛ لذا اشعار انتظار دارای پویایی خاصی است. فضای معنوی و روحانی و رویکرد انتقادی-اجتماعی در شعر انتظار پویایی این شعر را افزون تر کرده است. علی معلم، یوسف علی میرشکاک و علی رضا قزوه از شاعران معاصر به شمار می‌آیند. بررسی پویایی اشعار انتظار هر سه شاعر هدف پژوهش حاضر است. اشتیاق و انتظار برای آمدن موعود، آمادگی برای ظهور حضرت، آخرالزمان و حوادث مرتبط با آن، طرح مسایل اجتماعی و انتقادی برای تغییر وضعیت موجود به حال مطلوب و قابل قبول باعث شده است تا شعر هر سه شاعر پویا باشد.

**واژه‌های کلیدی:** شعر انتظار، علی معلم، یوسف علی میرشکاک و علی رضا قزوه.

<sup>۱</sup> داوری و گزینش توسط کنگره بین المللی زبان و ادبیات مشهد

## مقدمه

شاعران ایرانی شاعرانی با گرایش‌های مذهبی هستند و شعائر، مناسک و آیین‌ها و اتفاقات تاریخی در میان آن‌ها جایگاه ویژه‌ای دارد. دعوت به تقوا و زهد، تشویق به شورش بر ضد ظالمان، تصویرگری معرکه‌های سوزناک و گریه بر شهیدان، اعلام بیزاری از دشمنان اهل بیت علیهم السلام، حمد و ستایش پروردگار، تعلیل حوادث تاریخی و مهم‌تر از همه پرداختن به مقوله‌ی انتظار و اشتیاق برای دیدار منجی از ویژگی‌های شعر ناب شیعی است. ویژگی اخیر باعث ایجاد نوعی شعر با عنوان «شعر انتظار» شده است.

شعر انتظار شعری است که روایتگر شور و حال و انقلاب درونی شعرای شیعی است؛ شعرایی که ظهور مهدی موعود را لحظه شماری می‌کنند و هر کدام از منظری به این مسأله می‌نگرند و شوق درونی خود را به تصویر می‌کشند. در شعر انتظار، غیبت امام زمان (عج) و فراق و دوری از آن حضرت باعث خلق آثار زیبایی شده است.

شعر انتظار از زیر مجموعه‌های شعر ولایی است. «شعر ولایی» یکی از شاخه‌های شعر آیینی است. شعر آیینی هر مقوله‌ی شعری است که صبغه‌ی دینی داشته باشد و متأثر از آموزه‌های اسلامی باشد. شعر ولایی از لحاظ موضوعی اختصاص به خاندان عترت و طهارت دارد. سخنان، سیره‌ی اخلاقی و فضای وجودی اهل بیت در شعر ولایی بازتاب درخوری پیدا می‌کند. شعر نبوی، شعر علوی، شعر فاطمی، شعر عاشورایی، شعر رضوی و شعر مهدوی زیر مجموعه‌های شعر ولایی هستند. (محدثی خراسانی، ۱۳۸۸: ۲۵) شعر مهدوی فاقد صبغه‌ی سوگواری است و برای آن می‌توان از نظر موضوعی انواع زیر را در نظر گرفت: شعر انتظار، شعر فرج، شعر غیبت، شعر دیدار، شعر مسجد مقدس جمکران، شعر مسجد سهله، شعر ظهور، شعر حضور، شعر حکومت جهانی حضرت مهدی (عج)، شعر رسالت جهانی مهدی (عج)، شعر رجعت و شعر یاران مهدی. (مجاهدی، ۱۳۸۹: ۱۲)

با نگاهی به پیشینه‌ی شعر و ادب فارسی در می‌یابیم که شعر دینی و مذهبی در ادبیات فارسی جایگاهی شایسته دارد. مسئله‌ی اعتقاد به موعود نیز از موضوعات کهن و دیرینه‌ی شعر فارسی است. شاعران فارسی گو با الهام از آموزه‌ها و باورهای دینی به آفرینش آثاری در این زمینه پرداخته‌اند.

شعراي فارسی زبان گاه به صورت کنایی و غیر مستقیم و گاه به صورت روشن و آشکار به مسأله‌ی مهدویت پرداخته‌اند و از مهدی موعود (عج) یاد کرده‌اند. در سده‌های آغازین هجری از نام مهدی بیشتر به عنوان یک نماد تاریخی استفاده می‌شده؛ نمادی که یادآور صلح و آرامش، قسط و عدل، پیروزی، جهان شمولی اسلام و نابودی کفر جهانی است. (مجاهدی، ۱۳۸۴: ۶۳)

گاه نیز شاعران در سروده‌های خود بعد از مدح ممدوح، او را با منجی مقایسه کرده و پا را از این فراتر گذاشته او را هم پایه‌ی مهدی توصیف کرده‌اند. (بهرامیان، دلبری و دیگران، ۱۳۹۱: ۶۰) مثلاً خاقانی در ترکیب‌بندی در مدح ابوالمظفر شروان شاه می‌گوید:

ظلم دجال از جهان برخاستی

عدلش از مهدی نشان برخاستی

چون ورا دیدی گمان برخاستی (خاقانی شروانی، ۱۳۶۸: ۴۹۴)

وان که مهدی بر گمان داند که هست

تا پیش از دوره‌ی صفویه به طور کلی گرایش به سرودن شعر مذهبی بسیار کم دیده می‌شود؛ آن چه از آثار آن دوره در قالب شعر مذهبی باقی است، بیشتر سنت پیامبر اکرم (ص)، حضرت علی (ع) و در مواردی نیز یاد کرد عاشورا است.

با قدرت یافتن حکومت صفوی در اوایل قرن دهم هجری نخستین پایگاه رسمی برای حمایت از تشیع ایجاد شد. گرایش خاص نسبت به آیین اسلام و مدح و منقبت بزرگان تشیع در این دوره دیده می‌شود. حکومت صفوی، خود را برپادارنده‌ی آیین اهل بیت (علیهم السلام) می‌دانست؛ از این رو سعی بر تقویت، رونق و رواج آن داشت. از این منظر زمینه‌های مساعد اجتماعی و

سیاسی این دوره، خود نقش به سزایی در تقویت شعر آیینی داشت. با حضور نادر شاه در صحنه‌ی قدرت ایران و با توجه به سنی مذهب بودن وی، شعر مذهبی بار دیگر به انزوا گرایید. با روی کار آمدن حکومت زندیه، اقبال به سرودن شعر مذهبی از سر گرفته شد و از روزگار مشروطه به بعد، پایگاه قدرتمندی نزد شاعران و علاقه‌مندان پیدا کرد. (محدثی خراسانی، ۱۳۸۸: ۲۸)

مفهوم انتظار، قبل از انقلاب در آثار شاعران اهل بیت، مذهبی و هیئتی و به صورت معدود، در آثار شاعران حرفه‌ای مسلمان حضور دارد. پس از پیروزی انقلاب، مفهوم انتظار در شعر شاعران، رنگ و جلوه‌ای دیگر به خود گرفت. بعد از انقلاب و احیای باورها و آرمان‌های اسلامی با وفور باورهای مذهبی در شعر مواجه می‌شویم که مهم‌ترین آن‌ها مسئله‌ی عاشورا و مفهوم انتظار است. (همان، ۲۹۲)

صبحی دگر می‌آید ای شب زنده داران از قله‌های پر غبار روزگاران

از بی‌کران سبز اقیانوس غیبت می‌آید او تا ساحل چشم انتظاران (حسینی، ۱۳۸۷: ۳۱)

مفهوم انتظار پس از انقلاب با توجه به استقبال شاعران، تبدیل به برجسته‌ترین حوزه‌ی شعر آیینی شد و از لحاظ کیفی، ویژگی‌های خاص خود را پیدا کرد. در اشعار معاصر، شاعر، موعود را در ارتباط مستقیم خویش حس می‌کند و از همین منظر، شعر شاعران پس از انقلاب بستری صمیمی و عاطفی برای گفتگوی منتظر و موعود است و متأثر از این حال که انتظار برای شاعر یک مفهوم ملموس و عینی است. بیان ساده و صمیمی، زبان ساده، تصویرگرایی، استفاده از اوزان جدید عروضی در شعر، بهره‌گیری از قالب‌های جدید، استفاده از ردیف‌های پویا، بهره‌گیری از آرایه‌های نوین شعری، تأثیر پذیری از قرآن و حدیث و ... از ویژگی‌های شعر انتظار معاصر است.

با توجه به تعریف مفهوم انتظار در مبانی نظری تشیع می‌توان گفت شعر انتظار، شعر سازش و تسلیم نیست؛ چون نفس انتظار از تغییر و حرکت به سوی کمال و سعادت تشکیل شده و مهم‌ترین فلسفه‌ی وجودی شعر انتظار، اعتقاد به تغییر وضع موجود و رسیدن به وضع مطلوب است و از همین منظر است که شعر انتظار، با اجتماع و مسایل «اجتماعی - سیاسی» پیوند خورده است. منجی‌ای که شعر انقلاب منتظر اوست، شخصیتی یک بُعدی نیست و پیرو آن شعر انتظار نیز، شعری یک بُعدی و مجالی برای شکوه و گلایه از وضع موجود نمی‌باشد؛ بلکه شاعر انتظار در این روزگار با طرح مسایل اجتماعی و انتقادی سعی دارد وضعیت موجود را به حالی مطلوب و قابل قبول تغییر دهد.

در شعر زیر قیصر امین‌پور ویژگی‌های مدینه‌ی فاضله‌ای که با آمدن موعود تحقق می‌یابد ترسیم می‌کند و معیارهایی از زندگی درست و انسانی را به ما نشان می‌دهد.

...روزی که دست خواهش کوتاه/ روزی که التماس گناه است!!/ روزی که روی درها/ با خط ساده‌ای بنویسند/ تنها ورود گردن کج ممنوع!/ پروانه‌های خشک شده آن روز/ از لای برگ‌های کتاب شعر/ پرواز می‌کنند/ و خواب در دهان مسلسل‌ها/ خمیازه می‌کشد/ و کفش‌های کهنه‌ی سربازی/ در گنج موزه‌های قدیمی/ با تار عنکبوت گره می‌خورند (امین‌پور، ۱۳۷۷: ۹)

بررسی پویایی اشعار انتظار علی معلم، یوسف علی میرشکاک و علی رضا قزوه هدف پژوهش حاضر است.

فرضیه‌های این تحقیق نیز عبارتند از: ۱- در شعر انتظار علی معلم، یوسف علی میرشکاک و علی رضا قزوه مصادیق پویایی کدامند؟ ۲- انتقادهای اجتماعی و سعی بر تغییر وضعیت موجود در شعر انتظار کدام یک از این شاعران بیشتر است؟

## پیشینه‌ی تحقیق

در سال‌های اخیر، شعر انتظار یکی از موضوعاتی بوده که پایان‌نامه‌ها و مقاله‌هایی را به خود اختصاص داده است. فلسفه‌ی انتظار در ادب فارسی؛ تحلیل و بررسی انتظار موعود (عج) در شعر فارسی (بهمن ۱۳۵۷ تا پایان دهه‌ی ۶۰)؛ تحلیل جایگاه و نقش مفهوم انتظار موعود در شعر انقلاب با تکیه بر آثار سید حسن حسینی، قیصر امین‌پور و سلمان هراتی؛ و... عناوین پایان‌نامه‌های نگارش یافته در این زمینه هستند. مقاله‌های «بررسی کارکرد عناصر موسیقایی شعر انتظار (در دوره‌ی معاصر)»؛ «بررسی واژه شناختی زبان شعر انتظار»؛ «بررسی انتظار به عنوان عنصر پایداری با تکیه بر شعر قیصر امین‌پور و سلمان هراتی»؛ «بررسی شعر انتظار در ادبیات فارسی و جایگاه اشعار آیت الله غروری اصفهانی» و «ارزیابی لایه‌ی بلاغی شعر انتظار در دوره‌ی معاصر با تکیه بر عناصر بیانی» در زمینه‌ی شعر انتظار منتشر شده‌اند. با وجود پژوهش‌های صورت گرفته این مقاله، نخستین پژوهش در زمینه‌ی پویایی شعر انتظار است.

## روش تحقیق

در این تحقیق اشعار انتظار سه شاعر بررسی شده‌اند و مصادیق پویایی شعر آن‌ها استخراج و بیان شده است.

## یافته‌های تحقیق

«انتظار» یعنی «چشم داشتن» و «چشم به راه بودن» (ن.ک به لغت نامه‌ی دهخدا، ذیل کلمه‌ی انتظار) چشم داشت یک تحول، یک گشایش و چشم به راه یک آینده‌ی مطلوب بودن. به این معنا انتظار مفهومی است که با نهاد همه‌ی انسان‌ها عجین شده است و می‌توان گفت همه‌ی انسان‌ها به نوعی منتظرند.

در فرهنگ دینی «انتظار امید است به آینده‌ای نوید بخش و سعادت آفرین که در آن به رهبری قائد عظیم، جهان از مفاسد و بدبختی‌ها رهایی یافته و راه خیر و صلاح، آسایش و امنیت را در پیش می‌گیرد. انتظار، آرزومندی برای رسیدن آینده‌ای است که در آن ستم و تبعیض، تعدی و اجحاف نیست؛ بدکاری و بدخواهی به هر نوع محکوم می‌شود. ظلم و نابرابری از جامه رخت بر می‌بندد و بشریت، طریق فضیلت را در پیش می‌گیرد. انتظار، چشم به راهی برای تحقق عدل و حق است. امید به رفع تعلقات نژادی، طبقه‌ای، ملیتی و زبانی است؛ یافتن زندگی بر اساس شرف و فضیلت و تقوی است؛ زندگی بدون خوف از ابر قدرت‌هاست. بدان گونه که خدای را بدون خوف و خطری پیرستند و او را بدون واهمه عبادت کنند. انتظار نوعی تخلیه برای تخلیه است؛ نوعی آمادگی برای پاک شدن؛ دور ماندن از زشتی‌ها، ستم‌بارگی‌ها و وصول به تزکیه‌ی نفس، تجدید قوای خود برای شرکت در نهضت عظیم و انسانی و یافتن صفا و نورانیت.» (قائمی، ۱۳۶۶: ۱۳)

به نظر می‌رسد امید به آینده و انتظار فرج به دو معنا در آموزه‌های دین اسلام به کار رفته است: ۱- انتظار به معنای عام: در این معنا مکتب اسلام تلاش کرده است که از یک سو با فضیلت بخشیدن به انتظار، گشایش و امید به آینده و از سوی دیگر با نکوهش یأس و ناامیدی، روحیه‌ی تلاش و تکاپوی سازنده را در افراد جامعه‌ی اسلامی زنده نگه دارد و از ایجاد حالت یأس و ناامیدی، در زندگی شخصی مسلمانان جلوگیری کند. اهتمام به این معنای عام از انتظار تا بدان حد بوده است که از یک سو امید به فرا رسیدن گشایش از جانب خداوند در زمره‌ی برترین اعمال برشمرده شده و از سوی دیگر یأس و ناامیدی از رحمت خداوند از جمله‌ی گناهان کبیره به شمار آمده است. (با تلخیص، دستغیب، ۱۳۷۹: ۶۸)

۲- انتظار به معنای خاص: در این معنا، انتظار گشایش و امید به آینده از حالت امری محدود، سطحی و فردی خارج شده و تبدیل به امری گسترده، عمیق و اجتماعی می‌گردد. از دیدگاه اسلام، انسان نباید تنها در انتظار بهبود وضعیت خود و

اطرافیان‌اش باشد و تنها سعادت نزدیکان خود را طلب کند؛ بلکه این انتظار را باید نسبت به همه‌ی افراد جامعه گسترش دهد و چشم انتظار روزی باشد که رفاه و سعادت در سراسر جهان گسترده شود. از سوی دیگر انتظار نباید متوجه امور ظاهری، سطحی و محدود زندگی گردد باید انتظار را عمق بخشید و چشم به راه آینده‌ای بود که حقیقت مطلق، عدالت مطلق و معنویت مطلق در جهان حاکم شود. (با تلخیص، شفیع‌ی سروسستانی، ۱۳۸۶: ۱۲ - ۱۳)

انتظار ممکن است مؤثر و سازنده یا مخرب و بازدارنده باشد. «انتظاری که سازنده است، تحرک بخش است، تعهد آور است، عبادت بلکه با فضیلت‌ترین عبادت است و انتظاری که ویرانگر است، بازدارنده است، فلج کننده است و نوعی «باحیگری» محسوب می شود. این نوع برداشت به نوبه‌ی خود از دو نوع بینش درباره‌ی تحولات تاریخ ناشی می‌شود.» (مطهری، ۱۳۹۲: ۵۳)

### انتظار و اشتیاق

«انتظار از ریشه‌ی «نظر» و بهترین معادل فارسی آن «چشم به راه بودن» است. انتظار حالتی است که از ترکیب ایمان و اعتقاد به مبانی دین و ولایت امام زمان (ع) و شوق و علاقه به ظهور و حکومت و زیست و همراهی با اهل بیت (ع) و تنفر از وضع موجود و توجه به نقص و تباهی و فساد آن سرچشمه گرفته، در وجود انسان شعله می کشد. انتظار انواع دگرگونی‌ها را در حالت قلبی، اندیشه و آمال انسانی، رفتار فردی و تلاش اجتماعی انسان ایجاد می‌کند. (گلپایگانی، ۱۳۷۵: ۳۵۳)

کشیده جذبه‌ی چشمانت مرا به خلوت بیداران

نثار مقدم سبزت باد شکوفه‌های گل باران (قزوه، ۱۳۹۰الف: ۱۳)

در روایات معتبر بر جمال حضرت مهدی (عج) تأکید شده است. پیامبر اکرم (ص) درباره‌ی آن حضرت می‌فرماید: «المهدی طاووس اهل الجنة»، «مهدی طاووس اهل بهشت است.» (قمی، ۱۳۸۰، ج ۲: ۴۲۷)

گاه شاعر اشتیاق و احساس عمیق خود را نسبت به امام عصر (عج) با توصیف جمال و کمال کم نظیر آن حضرت بیان می‌کند.

غزل‌تر از غزل، گل‌تر ز گل، زیباتر از زیبا

تو از «الله اکبر» آمدی، از «اشهد ان لا...» (قزوه، ۱۳۹۰ب: ۵۱)

معلم نیز معتقد است که در انتظار موعود زمین و اهل آن پیر شده‌اند:

به انتظار زمین پیر شد چه می‌گویی

رفیق خانه‌ی زنجیر من چه می‌جویی (معلم دامغانی، ۱۳۸۷: ۲۱)

در شعر زیر شاعر تمام زمین را به دنبال صدایی از موعود گشته است. او با تعریضی شاعرانه تمدن امروز غرب را زیر سؤال می‌برد و این باور را فریاد می‌زند که تمدن مهدوی با تمدن دنیای امروز به کلی متفاوت است. تمدن مهدوی در نگاه شاعر با واژه‌ی روستا برجسته می‌شود:

ببین باقی است روی لحظه‌هایم جای پای تو

تمام خاک را گشتم به دنبال صدای تو

چرا دست از سر من بر نمی‌دارد هوای تو

اگر کافر، اگر مؤمن، به دنبال تو می‌گردم

صدایم از تو خواهد بود اگر برگردی ای موعود      پر از داغ شقایق‌هاست آوازم برای تو

تو را من با تمام انتظارم جست و جو کردم      کدامین جاده امشب می‌گذارد سر به پای تو؟

نشان خانهات را از تمام شهر پرسیدم      مگر آن سوتر است از این تمدن روستای تو (میرشکاک، ۱۳۸۴: ۳۹۰)

تقابل شیوه‌ی زندگی شرقی با زندگی غربی، در حقیقت، تجلی یکی از گفتمان‌های برجسته‌ی انقلاب بود. به تعبیری پیکار رنج و غنا، ترویج ساده زیستی، دل‌تنگی از رشد رفاه طلبی و گرایش به اشرافیت و کم‌رنگ شدن ارزش‌ها و میراث‌گران قدر شهیدان و انقلاب یا غفلت از آن، از مظاهر این تقابل است. (سنگری، ۱۳۸۰، ج ۳: ۲۱۵)

مادرم...

او نمی‌داند کادیلاک چه جانوری ست

و داخل هواپیما چه شکلی ست

اما خوب می‌داند

که شمشیر امام حسین (ع) از طلا نبوده است

و امام زمان (عج) در جزیره‌ی خضراء نیست

او قلبش برای انقلاب می‌تپد

و هر شب دعا می‌کند که پیروزی با امام باشد

و آقا بیابید (قزوه، ۱۳۹۰ الف: ۶۶)

پژوهشگران بزرگی چون آقا بزرگ تهرانی، علامه شوشتری، علامه جعفر مرتضی‌عاملی، شیخ جعفر کاشف الغطا و .... بر این عقیده‌اند که داستان جزیره‌ی خضراء واقعیت ندارد و بر حکایت نقل شده، اشکال‌های متعدد سندی، تاریخی و متنی وارد کرده و آن را از درجه‌ی اعتبار ساقط کرده‌اند. (کارگر، ۱۳۸۸: ۱۸۳)

در شعر زیر میرشکاک معتقد است برای اجرای اوامر و نواهی امام عصر(عج) باید دوید؛ چراکه فرج یار قطعی و حتمی است:

هر زمزمه‌ایی از تو شنیدن دارد

زیراک این دل آینه دیدن دارد

هر امر کنی محض دویدن دارد

زیرا فرج یار رسیدن دارد (میرشکاک، ۱۳۸۴: ۱۵۹)

از جمله خصایص شعر انقلاب، رونق رباعی و دو بیتی است. رباعی پیش از این با نام خیام‌گره خورده بود و بزرگانی چون عطار و ابوسعید نیز از آن استفاده کردند. این قالب شعری پس از تحول سبک عراقی به هندی یا اصفهانی و بازگشت، از رونق چندانی برخوردار نبود. قالب دو بیتی هم با نام باباطاهر همراه شد. در اشعار عاشقانه‌ی قبل از انقلاب برخی از شاعران به رباعی

و دوبیتی رو آورده بودند؛ اما اقبال شاعران به این قوالب شعری و استخدام آن‌ها در خدمت مفاهیم بلند و معنوی و انقلابی و حماسی و رزمی بعد از انقلاب قابل توجه است. (اکبری، ۱۳۷۱، ج ۱: ۱۲)

تو تار شدی ز هر طرف پود شدیم

صد بار عدم شدیم و موجود شدیم

صد بار غبار ره موعود شدیم

القصه نیامدی و نابود شدیم (میرشکاک، ۱۳۸۴: ۱۴۲)

### انتظار و باورمندی

ترکیب «رجعت سرخ ستاره» که نام اولین کتاب علی معلم نیز هست از ترکیب‌های مشهور معلم در مثنوی به همین نام است. این ترکیب به قیام موعود آخر الزمان اشاره می‌کند. برجسته ترین مضمون در ارتباط با موعود در شعر معلم قطعی بودن ظهور حضرت و قیام ایشان با شمشیر است.

باور کنیم رجعت سرخ ستاره را

میعاد دستبرد شگفتی دوباره را

باور کنیم رویش سبز جوانه را

ابهام مرد خیز غبار کرانه را (معلم دامغانی، ۱۳۸۷: ۵۷-۶۱)

معلم در بیت آغازین این مثنوی خواننده را به فضایی باورمند وارد می‌کند. او از خواننده می‌خواهد که بازگشتن ستاره را باور کند. رجعت سرخ به این جهت آمده است که قیام آن حضرت با شمشیر است و خونین خواهد بود. آن پهلوان دستبرد عجب خود را نشان خواهد داد و اسلام، جهان را خواهد گشود.

یکی از انگاره‌های مطرح درباره‌ی حضرت مهدی(ع)، قیام ایشان با شمشیر است. این تعبیر بیانگر آن است که ظهور و قیام آن حضرت و سیر مبارزه و ظلم ستیزی او با درگیری و ستیز مداوم همراه خواهد بود. بر این اساس در دست گرفتن شمشیر به معنای آن است که جامعه‌ی آرمانی اسلام به آسانی شکل نخواهد گرفت و با سرکوبی دشمنان و مفسدان می‌توان به آن دست یافت. قیام بالسیف، نماد و نشانه‌ای از قدرت نظامی و اقتدار فراگیر است. در روایات مختلفی این تعبیر به کار رفته و از منجی مصلح با عنوان «القائم بالسیف»، «الصاحب السیف» و... یاد شده است. (کارگر، ۱۳۸۷: ۹۱). امیر المومنین علی(ع) در این باره می‌فرماید: «صاحب رایت محمدی و بنیانگذار دولت احمدی ظهور می‌کند؛ در حالی که شمشیر در دست دارد.» (صافی گلپایگانی، ۱۴۱۹: ۲۱۰، ج ۵۲)

در مثنوی «هجرت» ترکیب رجعت سرخ ستاره دوباره تکرار می‌شود و فضای حاکم بر جامعه، فضای خونینی توصیف می‌شود که در آن باید منتظر موعود بود:

هنگامه‌ی میعاد خونینی دوباره است

باورکن اینک رجعت سرخ ستاره است (معلم دامغانی، ۱۳۹۳: ۱۹۶)

## انتظار و آمادگی

امام صادق (ع) در حدیثی فرمودند: «هر یک از شما باید برای خروج حضرت قائم خود را مهیّا کند. خدای تعالی هر گاه بداند کسی چنین نیتی دارد، امید آن است که عمرش را طولانی کند تا آن حضرت را درک کند.» (کارگر، ۱۳۸۸: ۲۱۵) پس برای ظهور حضرت مهدی (عج) و یاری آن حضرت باید در هر لحظه‌ای آماده بود و خود را مهیّا نگه داشت و این آمادگی شامل آمادگی فکری، عملی، علمی، سیاسی، نظامی، جسمانی و ... می‌شود.

لازمه‌ی درک آن حیات معنوی که با ظهور منجی همراه است، رسیدن به آمادگی لازم است؛ از این رو بی اثر شدن دعا بر اثر غفلت از اصلاح و خودسازی، دغدغه‌ی قزوه است. فروردین در شعر قزوه نماد شکوفایی و آمادگی معنوی برای درک دولت امام عصر (عج) است.

دلا، تا باغ سنگی، در تو فروردین نخواهد شد

به روز مرگ، شعرت، سوره‌ی یاسین نخواهد شد

فریبت می‌دهند این فصل‌ها، تقویم‌ها، گل‌ها

از اسفند شما پیداست، فروردین نخواهد شد! (قزوه، ۱۳۹۰: ب: ۴۹)

در شعر «غزل بهار»، بهار تعبیری برای وجود امام عصر (عج) است. شاعر موعود را با عنوان «کرامت بهار»، مورد خطاب قرار می‌دهد و از ایشان می‌خواهد که او را مورد توجه و عنایت قرار دهد. در این شعر شکوفه نماد معنویت است.

آه می‌کشم تو را، با تمام انتظار

پر شکوفه کن مرا، ای کرامت بهار

... می‌رسد بهار و من، بی شکوفه‌ام هنوز

آفتاب من بتاب! مهربان من، ببار (همان، ۱۳۹۰ الف: ۱۵)

آرمانشهر یا ناکجاآباد یا مدینه‌ی فاضله کشوری خیالی است که در آن جا زندگانی مردم کامل و قرین رستگاری است. جایی است دست نیافتنی که تصویر آن در افق آرزوی آدمی همواره نمونه‌ی خیر برین و زیبایی و کامیابی است. آرمانشهر که وضعیتی خیالی است فراسوی واقعیت است. دورنمایی است و سوسه انگیز از جهان آرزوها. (اصیل، ۱۳۸۱: ۱۷-۱۸)

در شعر انتظار معلم و قزوه قریه، راغ و باغ نمادهایی هستند برای ترسیم دنیای آرمانی پس از ظهور منجی.

تو می‌آیی و گیتی گریه خواهد شد برای تو

به تیغ این تیه کژدم، قریه خواهد شد برای تو (قزوه، ۱۳۹۳: ۳۹۲)

مراد از تیه صحرای سیناست. حضرت موسی (ع) از نافرمانی بنی اسرائیل در حرکت به سوی سرزمین مقدس فلسطین به خداوند شکایت کرد و خداوند بر بنی اسرائیل غضب کرد و چنین مقرر داشت که آن‌ها چهل سال در صحرای سینا سرگردان بمانند. (محمدی اشتهاردی، ۱۳۷۹: ۲۷۶)

پرچین نمادی برای فاصله است؛ فاصله‌ای که باید آن را برداشت تا به دنیای آرمانی ظهور منجی رسید. باغ نماد بهشت زمینی، مرکز کیهان و بهشت آسمانی است. باغ نماد نظم در برابر بی‌نظمی است. (شوالیه و گربان، ۱۳۸۲، ج ۲: ۴۱-۶)

... بیا به فاصله دل از فراغ برگیریم  
به دست حوصله پرچین باغ برگیریم



بیا به جهد مفرّی به راغ بگشاییم  
بیا به نقب، دری سوی باغ بگشاییم  
به جان دوست که ماییم بی خبر مانده  
نشسته اوست به دروازه منتظر مانده (معلم دامغانی، ۱۳۸۷: ۲۱)  
**انتظار و امید به آینده**

آیهی «و تُرِيدُ أَنْ نَمَنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلُهُمْ إِئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ» را که وجود مبارک حضرت ولی عصر (عج) در لحظه‌ی ولادت خواندند می‌توان برنامه‌اصلاحی آن وجود مقدس دانست. محتوا و پیام آیه این است که خداوند مستضعفان را از چنگال ستم ستمگران برهاند؛ آنان را وارث زمین گرداند و حکومت عدل را به دستشان بسپارد و فرعونیان را برای همیشه از صحنه‌ی گیتی محو کند. تلاوت این آیه از زبان وجود مبارک امام عصر (عج) بدین معناست که این اراده‌ی الهی به دست با کفایت آن حضرت تحقق می‌یابد. (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۹۵)

ما خوشبخت خواهیم شد

و زمین به آرزویش خواهد رسید

امشب اما فریادم را

به پیشواز مردی خواهم برد

که هنوز توبره‌ی شبانه‌ی پدرانش را

به دوش دارد (قزوه، ۱۳۹۰ الف: ۸۷)

نمادهای محوری اشعار انقلاب عبارتند از: نور و ظلمت و مصادیق متنوع آن شامل صبح، فجر، سپیده، خورشید، فلق، شفق، اشراق و سحر برای نور و شب برای ظلمت. نور و مصادیق متعدد آن، مظاهر حق، عدل، پیروزی و ... هستند و ظلمت شب مصداق ظلم و جهل و کفر و ... (رحمدل، ۱۳۷۳: ۲۱۶)

در اشعار معلم، صبح، سحر، سپیده نمادی از انقلاب و شخص امام خمینی است این سحر بشارت دهنده‌ی دولت جاوید قائم آل محمد(ع) است.

الا یا قومنا قوموا اضاء الصبح مصباحا! / لنا فی الصبح آثارُ الیس الصبح أصباحاً؟ (معلم دامغانی، ۱۳۹۳: ۳۹۲)

ما را در بامداد نشانه‌هایی است نه این است که بامداد، بامداد گرمی و روشن نمایی است؟

معلم، جهان بدون موعود را شب می‌داند شبی که بی کرانه است و فردایی (صبحی) روشن را در پی دارد:

اینجا جهان شب است ولی بی‌کرانه نیست  
فردای روشنایی ره، بی بهانه نیست (همان، ۱۳۸۷: ۶۱-۵۷)

معلم به فجر سوگند می‌خورد که صبح پشت دروازه است:

مگو به یاس برادر! که رنگ شب تازه ست

قسم به فجر قسم صبح پشت دروازه ست (همان: ۲۰)

## انتظار و انتقاد از وضع موجود

شکوه و شکایت از اوضاع و احوال مضمون غزلی از قزوه است. افتادن مناصب عالی به دست افراد دون و فرومایه، ادعاهای پوچ و بی‌اساس این گروه، (ادعای سلیمان بودن که می‌تواند اشاره به مدعیان دروغین داشته باشد) مردن مهر و عاطفه، دور بودن مردم از باورها و ارزش‌ها و تشنه بودن شاعر برای درک حقیقت باعث شده که شاعر از امام عصر(ع) بخواهد که این اوضاع شب‌گونه و سیاه را با آمدنش از بین ببرد و از خدا هم بخواهد ماه خورشیدی را برساند برای روشن کردن این شب سیاه:

پر طاووس فتاده ست به دست مگسان

کو سلیمان که نگین گیرد از این هیچ کسان

دیوها دعوی اعجاز سلیمان دارند

مرغ پیغامبر ما شده‌اند این مگسان (قزوه، ۱۳۹۱ الف: ۱۰۳-۱۰۴)

بر اساس روایات، تمام معجزات و ودایع انبیاء و اوصیاء همراه حضرت مهدی (عج) است؛ یعنی او وارث پیامبران و اوصیاء است و خداوند معجزات انبیاء را در اختیار ایشان نهاده است. انگشتر سلیمان از جمله‌ی آن موازیث است. حضرت مهدی (عج) این انگشتر را همراه خود دارد. وقتی آن را در دست می‌کند، جن و طیور بر دور او جمع می‌شوند. (العمیدی، ۱۳۸۳: ۴۶)

روزگاری است که نان می‌برم از سنگ دلان

دیرگاهی است که گل می‌خرم از خار و خسان

کعبه دور است و دل تشنه‌ام اسماعیل است

زمزمی، زمزمه‌ای، سوختم ای هم نفسان

مهربانا! شب ظلمانی ما را بشکن!

بار الها! مه خورشیدی ما را برسان! (قزوه، ۱۳۹۱ الف: ۱۰۳-۱۰۴)

در شعر انتظار، حضرت نوح(ع) به عنوان نجات بخش، نمادی از منجی موعود است که در طوفان بلا، دستگیر مؤمنان راستین است.

... هله زین باد و بلا بوی جنون می‌آید

سیل سرب آید و خون، تفته سواران در وی

اسبها صد رمه پی کرده، شناور بر خون

در ابیات فوق، سرب نماد دنیای صنعتی است. فضای آلوده و اوضاع نابه‌سامان دنیای امروز با نمادهای باد، سایه، شب، مار، گرگ و لاشه به تصویر کشیده شده است. باد نماد ویرانگری است. سایه و شب در تقابل با نور قرار می‌گیرند و نماد غفلت و دوری از معرفت و معنویت هستند. سایه در روانکاوی «قسمت منفی شخصیت ماست و مجموع آن خصوصیات ناخوشایندی

است که ترجیح می‌دهیم پنهان بماند.» (بلوتز، ۲۰۰۸) گرگ از دیرباز در فرهنگ و باورهای ایرانی حیوانی شوم و اهریمنی تصور شده است. گرگ نماد آز و بی‌رحمی است. (رضی، ۱۳۸۱: ۳۵۲) مار در نمادشناسی ایرانی نشانه‌ی اهریمن و نماد تباهی و مرگ است. (کزازی، ۱۳۷۹: ۲۸۳) در تقابل با این نمادهای منفی کبوتر نماد روح، معنویت و سعادت است.

### انتظار و عنایت امام عصر (عج)

در چندین حدیث، وجود مقدس صاحب الامر و انتفاع مردم از وی به خورشید پشت ابر تشبیه شده است. در این رابطه حضرت مهدی (عج) فرموده اند: «بهره بردن از من در عصر غیبتم، مانند بهره بردن از آفتاب است، هنگامی که زیر ابرها باشد.» (پور سید آقایی و دیگران، ۱۳۹۰: ۳۴۰)

بیا ای آفتاب مطمئن، خورشید پنهانی

که دست تو گره وا می‌کند از فکر مغشوشم (قزوه، ۱۳۹۱: ۷-۸)

شاعر نگاه موعود را نگاهی اثر بخش می‌داند و معتقد است یک نگاه منجی وجود عاشقانش را پر از معرفت و نورانیت می‌کند. منتظر بودن برای موعود عقل را هم رام کرده و عاشق و شیفته‌اش می‌کند:

نگاهت شمع آجین می‌کند جان غزالان را

غمت عین القضاتی می‌کند عقل غزالی را (همان، ۹۵-۹۶)

در یکی از غزل‌های قزوه که برای حضرت امام خمینی (ره) سروده شده است؛ شاعر امام را با واژه‌ی مهربان مورد خطاب قرار می‌دهد و از امام می‌خواهد که غربت شیعیان را به علت عدم حضور امام عصر (عج) تحمل کند تا وارث و صاحب اصلی انقلاب بپایید:

دو روزی مهربانا! غربت ما را تحمل کن

می‌آید آن که از درد تمام ما خبر دارد (همان: ۲۳-۲۴)

آن حضرت در توقیع شریف خود به شیخ مفید (ره) می‌فرماید: «علم ما به اخبار شما احاطه دارد و هیچ چیزی از اخبار شما بر ما پوشیده نیست. از یاری رساندن به شما کوتاهی نکرده، فراموشتان نمی‌کنیم و اگر چنین نبود ناگواری‌ها بر شما نازل و دشمنان شما را نابود می‌ساختند...» (کارگر، ۱۳۸۸: ۱۶۹-۱۷۰)

### آخر الزمان و ایام ظهور

آخر الزمان از اصطلاحات مشهور در فرهنگ ادیان بزرگ دنیا است و به معنای آخرین دوران حیات بشر - پیش از برپایی قیامت - است. در فرهنگ اسلامی آخر الزمان، دوران نبوت پیامبر اکرم (ص) تا وقوع قیامت و دوران غیبت و ظهور مهدی موعود را شامل می‌شود. عصر آخر الزمان دوران شکوفایی و تکامل اجتماعی نوع انسان است. (تونه ای، ۱۳۸۸: ۳۵) در احادیث بسیاری آمده است که حضرت مهدی (ع) در آخر الزمان ظهور می‌کند. پیامبر اکرم (ص) در این باره فرمود: «مهدی از عترت و اهل بیت من است. او در آخر الزمان ظهور می‌کند.» (مجلسی، ۱۹۸۳: ج ۵۱، ۷۴)

آخر زمان و فتنه‌ی آخر الزمان از جمله ترکیباتی است که در اشعار میرشکاک مورد استفاده قرار گرفته است. او معتقد است کیمیای وجود او در بازار آخر الزمان گم شده است:

ز من گم شد آن کیمیای وجود      به بازار آخر زمان فاطمه (میرشکاک، ۱۳۸۴: ۲۴۶)

معلم نیز به غربت آخر الزمان اشاره می کند و مرگ را راه فرار از آن می داند:

غربت است آخر الزمان و از آن      مرگ را آخرین مفر شمرد (معلم دامغانی، ۱۳۹۳: ۴۳۳)

علائم ظهور وقایع و حوادثی هستند که نشان از نزدیک شدن ظهور موعود دارند. در احادیث اهل بیت علائم ظهور به دو دسته تقسیم شده است. دسته‌ی اول علائم حتمی است که به هیچ قید و شرطی مشروط نیست و قبل از ظهور باید واقع شود. دسته‌ی دوم علائم غیر حتمی است و آن عبارت است از حوادثی که به طور مطلق و حتمی از علائم ظهور نیست؛ بلکه مشروط به شرطی است که اگر آن شرط تحقق یابد محقق می شود. (به نقل از امینی، ۱۳۷۸: ۲۱۹) خروج یمانی (سرداری از یمن)، قتل نفس زکیه (سید حسنی) میان رکن و مقام، خسف در بیداء (نابود شدن لشگری و فرورفتن آن در زمین در جایی به نام بیداء میان مکه و مدینه)، خروج سفیانی و صیحه‌ی آسمانی از علائم حتمی ظهور حضرت هستند. (حکیمی، ۱۳۶۰: ۱۲۸)

طوفانی در راه است

و مردی می آید

سنبله ها به استغائه می افتند

باران خون می بارد

آسمان شکاف می خورد

ماه آتش می گیرد

ابرها کوه می شوند

کوه ها فرو می ریزند... (قزوه، ۱۳۹۰ الف: ۲-۸۳)

از دید قزوه به استغائه افتادن سنبله ها برای آمدن موعود، خون باریدن آسمان، شکاف خوردن آسمان، آتش گرفتن ماه و ... علائم ظهور هستند.

در علائم ظهور سخن از طلوع خورشید از مغرب رفته است در برخی از احادیث این امر این گونه بیان شده است: «خورشید به هنگام ظهور در آسمان راکد می شود و ساعتی چند تا به هنگام عصر پیدا نباشد آنگاه از مغرب ظاهر گردد.» (حکیمی، ۱۳۶۰: ۱۳۶-۷)

مژده ست گویی در خبر آخر زمان را      خورشید از مغرب فرزند آسمان را

گیتی به کام خلق بازیگر نماید      و ز توبه کس را بهره ای دیگر نماند (معلم دامغانی، ۱۳۸۷: ۱۷۹)

## انتظار و امام خمینی (ره)

پیروزی انقلاب اسلامی، گسترش حیرت انگیز آموزه های دینی را در پی داشت. شخصیت ویژه‌ی امام خمینی (ره) که تلفیقی از وجوه گوناگون بود مورد توجه شاعران قرار گرفت. مرگ و وفات ایشان نیز از حوادث اثرگذار در شعر انقلاب است. امام خمینی (ره) را نایب حضرت مهدی دانستن یکی از مضامین شعر شاعران انقلاب به شمار می آید.

بوم سیاه شب سرا را سر بریدند  
شب را به تیغ فجر خونین سر بریدند

در جان عالم جوشش خون حسینی است  
اینک قیام نایب مهدی (ع) خمینی ست (معلم دامغانی، ۱۳۸۷: ۱۶۳)

بر حسب اخبار معتبر «مهدی» لقب همان موعود آخر الزمان است که حتی نسب و اوصاف او، در احادیث معتبر مورد اشاره قرار گرفته است، که آن جز بر امام دوازدهم، فرزند حضرت امام حسن عسگری بر احدی قابل تطبیق نیست و لقب مهدی به این معنی که موجب (هدایت از جانب) خدا و احیا کننده‌ی اسلام و پرکننده‌ی جهان از عدل و داد و دارای صفات ممتاز است؛ اولین بار در مورد آن حضرت به کار رفت و این کار در عصر خود پیامبر (ص) توسط شخص آن حضرت انجام گرفت. (صافی گلپایگانی، ۱۳۸۰: ۴-۱۶۳)

مادرم ...

او قلبش برای انقلاب می تپد

و هر شب دعا می کند که پیروزی با امام باشد

و آقا بیاید. (قزوه، ۱۳۹۰ الف: ۶۶)

در شعر زیر قزوه امام را خطاب قرار داده و او را ادامه‌ی ظهور می داند:

ای آفتاب صمیمی

ای ادامه‌ی ظهور.....

دستان مهربانت را

از ما دریغ مدار (رسول صبح، ۱۳۷۸: ۲۴۳)

معلم در مثنوی «غیبتی عصر آشکار» که برای حضرت امام خمینی (ره) سروده شده است به تناسب موضوع یعنی ولایت فقیه با زبان و بیانی ایهام مند و متناسب سخن گفته است. صفاتی مانند «غیبتی عصر آشکار»، «وارث یرلیغ لا شریک محمد»، «عامل بیع و شرای ملک دلالت» برای امام، با توجه به شأن فقاها و حکومت داری ایشان بسیار سنجیده و عمیق انتخاب شده اند:

موسی مهدی زمینه را تو مَثَّنَا  
مهدی عیسی کمینه را تو یُحْتَنَا

محکم برهان حق به فرض تشیع  
وارث یرلیغ لا شریک محمد (معلم دامغانی، ۱۳۹۳: ۱۱۶)

معلم می گوید: مقام تو برای حضرت مهدی که حضرت عیسی از کمترین پیروانش است همان مقام یوحناست برای آن حضرت.

## انتظار و شهداء

تصویرهای حماسی در شعر انقلاب جلوه های متنوع دارد. لاله، شقایق، گل، سرو، سپیدار و... نمادهای محوری برای تعبیر شخصیت شهید و مفهوم شهادتند. در شعر انقلاب، لاله و شقایق در ترسیم نمادین شخصیت روحانی شهید، نقش عمده ای دارند. (رحمدل، ۱۳۷۳: ۲۱۶)

ز خون هر شهیدی لاله ای رست مبادا روی لاله پا گذاریم (امین پور، ۱۳۷۷: ۷۴)

در «غزل بهار» قزوه شهداء را مستحق توجه و عنایت امام عصر (عج) می داند. لاله، سهره و نخل نماد شهید هستند.

بر سرم نمی کشی، دست مهر اگر، مکش تشنه ی محبت اند، لاله های داغدار

دسته دسته گم شدند سهره های بی نشان تشنه تشنه سوختند، نخل های روزگار (قزوه، ۱۳۹۰ الف: ۱۵)

در دو بیت زیر، شاعر مخاطب را دعوت به ادامه دادن راه شهداء و فراموش نکردن پیام آنان می کند. بسیاری شهیدان حکایت از رواج ستم و بیداد دارد؛ از این رو شاعر چشم انتظار ظهور موعود است:

بیا تا عاشقی را پاس داریم سر قبر شهیدان گل بکاریم

تمام دشت یک سر لاله زار است گل نرگس تو را چشم انتظاریم (همان: ۳۰)

معلم نیز علت داغداری لاله را منتظر ماندن او برای آمدن دادرسی می داند:

خونین به راه دادرسی ایستاده ایم چون لاله داغدار کسی ایستاده ایم (معلم دامغانی، ۱۳۹۳: ۸۱)

## انتظار و حضرت عیسی(ع)

مسلمانان و مسیحیان، هر دو به ظهور عیسی مسیح(ع) در آخر الزمان اعتقاد دارند. حضرت عیسی (ع) هنگام ظهور حضرت مهدی (ع) از آسمان فرود می آید و در قدس پس از اعلام بیعت با حضرت مهدی (ع) پشت سر حضرت نماز می گذارد. (تونه ای، ۱۳۸۸: ۵۰۹)

صلای آسمانی چون مسیحا را فروگیرد بمان تا یوشع احمد اریحا را فروگیرد (معلم دامغانی، ۱۳۹۳: ۳۹۲)

یوشع بن نون که پس از هارون وصی موسی شد، نام وی در ابتدا هوشع بود یعنی «او نجات می دهد» از این روی در اینجا از جهت وصایت نبی و از نظر معنایی لغوی تداعی گر مهدی موعود است.

از آسمان چارم، مسیح بازگشته ست زمین ولی چه تنهاست! مگر تو بازگردی (قزوه، ۱۳۹۰ ب: ۴۸)

## نتیجه

انعکاس معارف اسلام در شعر، یکی از ویژگی های شعر شاعران معاصر است. در این مقاله به بررسی مصادیق پویایی شعر انتظار در سروده های سه تن از شاعران معاصر پرداخته شده است. نتایج این پژوهش عبارتند از: با بررسی اشعار انتظار این سه شاعر دریافتیم که می توان نمود پویایی شعر انتظار آن ها را در مصادیق زیر یافت. انتظار و اشتیاق، انتظار و باورمندی، انتظار و آمادگی، انتظار و امید به آینده، انتظار و انتقاد از وضع موجود، انتظار و عنایت امام عصر(عج) به شیعیان، انتظار و امام

خمینی(ره)، انتظار و شهدا، انتظار و حضرت عیسی (ع). شعر انتظار قزوه پویایی بیشتری در مقایسه با شعر معلم و میرشکاک دارد؛ چراکه اشعار انتظار قزوه حجم بیشتری را به خود اختصاص داده است. در شعر معلم باورمندی، انتقاد از وضع موجود و امید به آینده مصادیق بارز پویایی شعر انتظار هستند. بارزترین مصداق پویایی شعر انتظار میرشکاک در قالب انتظار و اشتیاق برای آمدن موعود قابل دریافت است.

### فهرست منابع

- ۱- اکبری، منوچهر، ۱۳۷۱، نقد و تحلیل ادبیات انقلاب اسلامی، جلد اول، تهران: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.
- ۲- اصیل، حجت الله، ۱۳۸۱، آرمانشهر در اندیشه‌ی اسلامی، تهران: نشر نی.
- ۳- امین پور، قیصر (۱۳۷۹). تنفس صبح، تهران: انتشارات سروش.
- ۴- امینی، ابراهیم (۱۳۷۸). دادگستر جهان، قم: انتشارات شفق.
- ۵- پور سید آقایی، سید مسعود؛ جباری، محمد رضا و دیگران (۱۳۹۰). تاریخ عصر غیبت، قم: انتشارات آینده‌ی روشن.
- ۶- تونه‌ای، مجتبی (۱۳۸۸). موعود نامه: فرهنگ الفبایی مهدویت، قم: میراث ماندگار.
- ۷- جوادی آملی، محمد حسن (۱۳۸۸). امام مهدی موجود موعود، قم: مرکز نشر اسراء.
- ۸- حکیمی، محمد رضا (۱۳۶۰). خورشید مغرب، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- ۹- حسینی، سید حسن (۱۳۸۷). هم صدا با حلق اسماعیل، تهران: سوره‌ی مهر.
- ۱۰- خاقانی شروانی، افضل الدین (۱۳۶۸). دیوان خاقانی شروانی، به کوشش ضیاءالدین سجادی، تهران: زوآر.
- ۱۱- دستغیب، سید عبدالحسین (۱۳۷۹). گناهان کبیره، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- ۱۲- رحمدل، غلام رضا (۱۳۷۳). مجموعه مقاله‌های سمینار بررسی ادبیات انقلاب اسلامی، تهران: سمت.
- ۱۳- رسول صبح (۱۳۷۸). اشعار شاعران به مناسبت دوازدهم بهمن ۱۳۵۷، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- ۱۴- رضی، هاشم (۱۳۸۱). آیین مهر، تهران: بهجت.
- ۱۵- سنگری، محمد رضا (۱۳۸۰). نقد و بررسی ادبیات منظوم دفاع مقدس، جلد سوم، تهران: پالیزان.
- ۱۶- شفیعی سروستانی، ابراهیم (۱۳۸۶). انتظار، بایدها و نبایدها، تهران: موعود عصر (عج).
- ۱۷- شوالیه، ژان و آلن گریبان (۱۳۸۲). فرهنگ نمادها، جلد سوم، ترجمه‌ی سودابه فضایی، تهران: انتشارات جیحون.
- ۱۸- صافی گلپایگانی، لطف الله (۱۴۱۹). المنتخب الاثر، قم: سیره‌ی المعصومه.
- ۱۹- -----، ----- (۱۳۷۵). امامت و مهدویت، جلد اول، قم: دفتر انتشارات اسلامی حوزه‌ی علمیه‌ی قم.
- ۲۰- -----، ----- (۱۳۸۰). گفتمان مهدویت، قم: انتشارات مسجد مقدس جمکران.
- ۲۱- قائمی، علی (۱۳۶۶). مسئله‌ی انتظار، قم: انتشارات هجرت.
- ۲۲- قزوه، علی رضا (۱۳۹۰ الف). از نخلستان تا خیابان، تهران: سوره‌ی مهر.
- ۲۳- -----، ----- (۱۳۹۱ الف). چمدان‌های قدیمی، به کوشش محمد علی مؤدب و مبین اردستانی، تهران: سلمان پاک.
- ۲۳- -----، ----- (۱۳۹۳). شبلی و آتش، تهران: سوره‌ی مهر.
- ۲۴- -----، ----- (۱۳۹۱ ب). صبح بنارس، تهران: شهرستان ادب.
- ۲۶- -----، ----- (۱۳۹۰ ب). عشق علیه السلام، تهران: سوره‌ی مهر.
- ۲۷- قمی، شیخ عباس (۱۳۸۰). منتهی الآمال، جلد دوم، بی جا: انتشارات کتابچی.
- ۲۸- کارگر، رحیم (۱۳۸۷). آینده‌ی جهان، تهران: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی (عج).
- ۲۹- -----، ----- (۱۳۸۸). مهدویت پیش از ظهور، نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها، قم: دفتر نشر معارف.
- ۳۰- کزازی، میر جلال الدین (۱۳۷۹). نامه‌ی باستان، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها.
- ۳۱- مجاهدی، محمد علی (۱۳۸۹). گنج گوهر، معرفی و گزیده‌ی شعر ولایی از ابوالحسن شهید بلخی تا حکیم ناصر خسرو، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- ۳۲- مجلسی، محمد باقر (۱۹۸۳). بحارالانوار، جلد پنجاه و یک، بیروت: موسسه‌ی الوفاء.
- ۳۳- محدثی خراسانی، زهرا (۱۳۸۸). شعر آیینی و تأثیر، انقلاب اسلامی بر آن، تهران: مجتمع فرهنگی عاشورا.

- ۳۴- محمدی اشتهاردی، محمد (۱۳۷۹). قصه‌های قرآن، تهران: موسسه‌ی انتشارات نبوی.
- ۳۵- مطهری، مرتضی (۱۳۹۲). قیام و انقلاب مهدی از دیدگاه فلسفه‌ی تاریخ و مقاله‌ی شهید، تهران: انتشارات صدرا.
- ۳۶- معلم دامغانی، علی (۱۳۹۳). گزیده‌ی اشعار علی معلم دامغانی، به کوشش محمد نور الهی، سید ابوطالب مظفری، محمد کاظم کاظمی، مشهد: سپیده‌ی باوران.
- ۳۷- -----، ----- (۱۳۸۷). رجعت سرخ ستاره، تهران: سوره‌ی مهر.
- ۳۸- میرشکاک، یوسف علی (۱۳۸۴). جای دندان پلنگ، قم: انتشارات کلیدر.
- 39-Blutner, Reinhardl.E.Hochnadel.E.(2008),Two qubits For C.G. jung,s theory of personality.Amsterdam, pp 5 of 17.

ب. مقاله‌ها

- بهرامیان، زهرا و دلبری، حسن و علوی مقدم، مهیار، «بررسی کارکرد عناصر موسیقایی شعر انتظار (در دوره‌ی معاصر)»، نشریه‌ی علمی- پژوهشی پژوهشنامه‌ی زبان و ادب فارسی، سال ششم، شماره‌ی اول، پیاپی ۲۱، صص ۸۲-۵۹.